

# تاریخ طب، تاریخ درد

○ دکتر علیرضا مهدوی هزاوه



- عنوان کتاب: علم پزشکی در گذر زمان
- نویسنده: راد استورینگ
- مترجم: دکتر رضا رادگودرزی
- ناشر: ریحان
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۹
- شمارگان: ۷۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۴۸ صفحه
- بها: ۹۸۰ تومان

جداگانه داشته‌اند. گفتنی است که داریوش بزرگ، از پزشکان مختلف مصری در دربار خود استفاده می‌کرد. تکامل تدریجی علم طب در بابل، چهارهزار سال جلوتر از یونان آغاز شده است. بیش از دو هزار سال پیش از میلاد مسیح، «حمورابی» قوانینی برای پزشکان وضع کرد که براساس آن طبیبان، جراحان و چشم پزشکان باتوجه به نتیجه اعمال‌شان پاداش می‌گرفتند و یا اگر قصور می‌کردند، مجازات می‌شدند. چینی‌ها اولین ملتی بودند که از «تبص» آگاهی یافتند. ختنه را برای اولین بار یهودیان انجام دادند و نیز یکی از مهم‌ترین مسایل پزشکی که جدا کردن بیماران از افراد سالم است و امروزه اصطلاحاً قرنطینه نامیده می‌شود، ابتدا در طب عبری عنوان شده است. طرح تأسیس بیمارستان‌ها نیز برای اولین بار در تاریخ قوم بنی‌اسرائیل مطرح شده است. طبابت در هندوستان نیز مشابه دیگر کشورها با ذکر اوراد و دعا همراه بوده است. هندیان در جراحی مهارت بسیار داشتند و به موضوع پرستاری نیز برای اولین بار در طب هندی اشاره شده است. درمان دررفتگی‌های مفاصل و شکستگی‌ها در طب هندی، یونانی و مصری با روش‌های خاصی صورت می‌گرفت که امروزه نیز کماکان قابل استفاده است. تاریخ ایران باستان، گواه آن است که مکتب زرتشت یا (مزدیسنا)، خیلی پیش‌تر از مکاتب طبی یونان، وجود داشته و تا هفتصد سال قبل از میلاد، اثری از طب دیگر اقوام در طب ایرانی دیده نشده است. پس از آن و به دلیل جنگ‌ها و کشورگشایی‌ها، طب یونانی و بقراطی، به ایران وارد شده است.

نویسنده کتاب «علم پزشکی در گذر زمان»، مبدأ زمان را برای بیان موضوعات کتاب، از اولین دهه‌های پس از میلاد مسیح انتخاب کرده است. به عبارت دیگر، ماجراهای کتاب، از سال پنجاه میلادی آغاز می‌شود. البته، در همان ابتدا اشاره مختصری به بقراط می‌شود که حدود چهارصد سال قبل از میلاد می‌زیست. از طرف دیگر، مخاطب کتاب که قاعدتاً نوجوان است، بدون آن که اطلاعات جامعی از تاریخ پزشکی داشته باشد، ممکن است تنها با اسامی بقراط، جالینوس، ابوعلی سینا و رازی اندکی آشنا باشد. این دانشمندان بزرگ، شخصیت‌های فرعی کتاب هستند و در مورد هر کدام‌شان به ذکر تنها چند جمله کوتاه اکتفا شده است.

برخی از قهرمانان اصلی کتاب عبارتند از: تیمارداران شوالیه‌ها، سلمانی جراحان، خانم‌های خانه‌دار، جراحان نیزوی دریایی، پزشک طاعون و نیش‌کنندگان قیور، اسامی مذکور که اغلب به یک گروه صنفی خاص مربوط می‌شوند، با تیتیر درشت، در ابتدای هر قسمت چاپ شده است. در برخی موارد هم شیوه‌های

کوینده دیگری به دستش، احساس درد کرد و انگشت به دهان برد، تاریخ پزشکی آغاز گردید. کوشش برای برطرف کردن درد، همواره دغدغه آدمیان بوده است. طبیعی است که پیشرفت علم طب از یک طرف و لذات زندگی و عشق به آن از طرفی دیگر، باعث شد آدمی به دنبال اکسیر حیات (آب زندگانی) نیز برود. اما به طور کلی، انسان همواره آرزو داشته از درد و رنج دوری کند. بنابراین، تاریخ طب، همان تاریخ درمان درد بوده است.

قدیمی‌ترین مدارک از علم پزشکی در مصر، کلمه، آشور، بابل، چین، ایران و هند به دست آمده که در میان این کشورها، مصر به لحاظ سابقه، مقام اول را دارد.

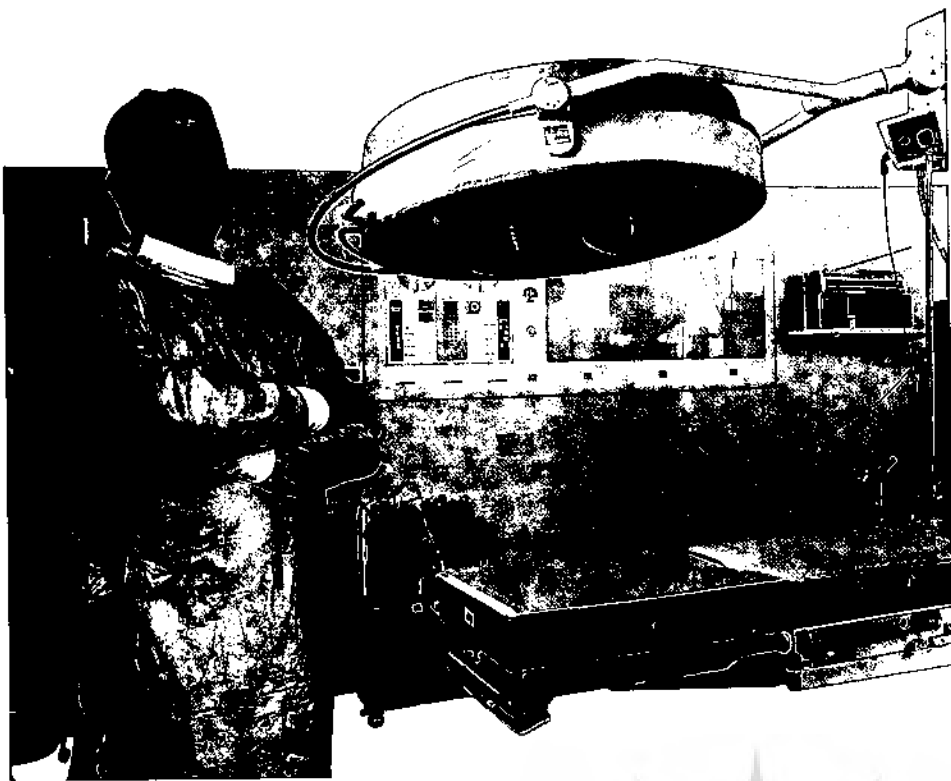
هم‌چون دیگر کشورهای آن دوران، مصریان، سحر و جادو را در طبابت دخالت می‌دادند. اعتقاد به عناصر چهارگانه آب، باد، خاک و آتش نیز به مصریان نسبت داده شده است. آنان تجربیات خود را روی پاپیروس می‌نوشتند و از داروهای گوناگونی هم‌چون زیره، رازیانه، روغن کرچک، کات کبود، زاج و روغن سدر استفاده می‌کردند. در آن روزگار، به رعایت بهداشت مقید بوده‌اند و بهداشت را بر درمان مقدم می‌دانسته‌اند. هردوت می‌گوید: مصریان برای هر قسمت از بدن، طبیب

نام اصلی کتاب به زبان انگلیسی، "A Doctors Life: Avisual History D.Nurses through the Ages" است که در شناسنامه کتاب، به «علم پزشکی در گذر زمان: تاریخ پزشکان و پرستاران دوران مختلف» ترجمه شده است. در واقع، موضوع اصلی کتاب، بیش از آن که به پیشرفت‌های علم پزشکی در اعصار گذشته مربوط باشد، درباره افرادی است که به نحوی، در طبابت دست داشته‌اند.

موضوع تاریخ پزشکی و پزشکان، در واقع، از یکدیگر مجزا است. بدین معنی که تاریخ طب، عبارت از شرح و توصیف اصول و عقاید پزشکی و پیشرفت علم طب در طی ادوار مختلف در دنیا و یا به عبارت دیگر «تاریخ تحول طب» است و تاریخ پزشکان، سرگذشت و شرح حال پزشکان، اما غالباً هر دو این‌ها با هم بررسی می‌شوند. ظاهراً قدیمی‌ترین یا یکی از قدیمی‌ترین تواریخ، تاریخ طب است؛ چرا که زندگی آدمی از روز اول با درد و رنج همراه بوده و انسان برای رفع دردها و آلام خود، می‌کوشیده است. بیماری، همواره در برابر سلامتی که کمال مطلوب آدمی است، خودنمایی می‌کرده است. لذا اگر نام تاریخ طب را «تاریخ درد» یا «تاریخ درمان درد» بگذاریم، اشتباه نکرده‌ایم. از روزی که بشر، پس از برخورد با سنگ یا هر جسم

نویسنده کتاب که ظاهراً انگلیسی است،  
تغییرات علم پزشکی انگلستان را  
عمدتاً در شش قرن گذشته توضیح داده  
و در این میان  
حتی از هموطنان سارق و تبهکار خود  
نیز یاد کرده است!

نویسنده از ابن سینا  
و کتاب قانون که علی رغم  
پیشرفت چشمگیر علم پزشکی  
هنوز هم قابل استفاده است  
به راحتی گذشته  
و از کسانی که تنها هنرشان  
در آوردن پیکانی از بازو  
یا سینه مجروحان بوده  
به تفصیل تعریف و تمجید کرده است



علم پزشکی انگلستان را عمده‌تاً در شش قرن گذشته توضیح داده و در این میان، حتی از هموطنان سارق و تبهکار خود نیز یاد کرده است! بنش قبرکنندگان (ص ۱۸) که نویسنده آنها را با واژه‌های سارق بدن یا دزد مرگ نامیده، پیشگامان کمک به علم پزشکی معرفی شده‌اند.

برخی از این افراد برای به دست آوردن پول بیشتر، مردم را به قتل می‌رساندند. ضمن آن که نمی‌توان منکر کمک غیرمستقیم این افراد به علم پزشکی شد، اما با این طرز تفکر باید ویروس‌ها، باکتری‌ها، جنگ‌ها و... را هم چون این افراد، به عنوان یاری‌دهندگان و پیشگامان پزشکی شناسایی کنیم! به علاوه، ضرورت ذکر این که برخی افراد برای فروش اجساد بیشتر به کالبدشناس اسکاگندی، دست به قتل مردم می‌زدند، در چنین کتابی و برای گروه سنی خاصی چون نوجوانان چیست؟ و آوردن نام چنین افراد پستی در کنار نام تن چند از مشاهیر، با چه هدفی صورت گرفته است؟

در صفحه ۴۰، با عنوان پزشک عمومی (حدود ۱۹۶۵ م) از خانم پاتریسیا ویلسون، نام برده شده است. در مورد خانم ویلسون، متوجه نمی‌شویم علت معرفی و انتخاب وی چه بوده است؟ آیا نامبرده اولین پزشک عمومی بوده یا موفق‌ترین آن‌ها؟ پاسخ هیچ کدام است؛ چرا که در ادامه مطلب، این جمله را می‌خوانیم: «دکتر ویلسون پس از اتمام تحصیلاتش یک پزشک عمومی (GP) گردید و برای کار حرفه‌ای به یک پزشک قدیمی‌تر ملحق شد.» پس وی اولین پزشک عمومی نبوده و بدون شک، از آن جا که برای کار حرفه‌ای به پزشکی دیگر ملحق شده، موفق‌ترین پزشک نیز نمی‌توانسته باشد. ضمناً حروف MB و CHB در این قسمت، به معنای کارشناس طب و کارشناس جراحی ذکر شده و برای اطلاع بیشتر پیشنهاد شده به صفحه ۱۰ مراجعه شود. گرچه مراجعه به صفحه ۱۰ نیز مشکلی را حل نمی‌کند؛ چون در یک سطر

جراحی فتق و آب‌مروراید، ممکن است تعجب‌برانگیز باشد، واقعیت آن است که طی اکتشافات باستان‌شناسی، مجموعه‌هایی از دوران مفرغ به دست آمده که سوراخ بزرگی در آن‌ها بوده است و دلایل مستقیم و روشنی در دست است که مردم آن روزگار، از روی آگاهی و با جرات خاص، بدین کارها اقدام می‌کرده‌اند.

این مجموعه‌ها علاماتی دارد که نشان می‌دهد در آن زمان‌ها بر روی کاسه سر عمل جراحی و شکسته‌بندی صورت گرفته است. از آن جا که آثار پرشدن این سوراخ‌ها و پوشیده شدن به وسیله استخوان تازه در مجموعه‌ها مشاهده شده است، مشخص می‌گردد که این افراد، مدت‌ها پس از عمل جراحی زنده مانده‌اند. برخلاف عقیده نویسنده (صفحه ۴۵) که معتقد است این اعمال برای خروج ارواح شیطانی از بدن بوده، تاکنون علت اصلی این اقدامات روشن نشده است. احتمالاً از این روش، برای رفع افزایش فشار مغزی استفاده می‌شده است.

در صفحه ۲۶ با یک جراح عصر ویکتوریا، به نام چارلز پیم (۱۸۴۰ م) آشنا می‌شویم.

وی در دوران تحصیل خود، مطالبی درباره علم بیهوشی شنیده و با دیدن بیماران بیهوش که آرام و ساکت دراز کشیده بودند، متعجب و شگفت زده شد، اما پس از آن، به شک افتاد که آیا استفاده از مواد بیهوشی درست است یا خیر؟ زیرا معتقد بود که خداوند برای تنبیه انسان گناهکار او را متحمل درد و رنج می‌کند! در حالی که در بریتانیا، تا یکی دو قرن پیش، اعتقادات خطایی هم‌چون مورد مذکور رایج بود، ایرانیان، پیشگامان بیهوشی در جهان بودند و هزاران سال قبل از آن، در جراحی‌ها از بیهوشی استفاده می‌کردند. در افسانه‌های ایران باستان، از دارو و گرد بیهوشی بسیار سخن رفته است و به نظر می‌رسد از مخلوط شراب و بنگ، برای بیهوشی استفاده می‌شده است.

نویسنده کتاب که ظاهراً انگلیسی است، تغییرات

خاصی از طب به عنوان تیترا انتخاب شده است، مانند طب رهبانی، طب اسلامی و دندان پزشکی. در اولین صفحه کتاب، نام پزشک رومی، به عنوان تیترا اصلی انتخاب شده است و در صفحه مقابل، در یک کادر کوچک، از جالینوس یاد شده. بدون شک خواننده کتاب، در مورد اهمیت افراد معرفی شده، دچار سردرگمی می‌شود. در صورتی که خواننده، با مشاهیری چون جالینوس، آشنایی قبلی نداشته باشد، به احتمال زیاد به این نتیجه می‌رسد که «لوسیوس اسپکتاتوس» که یک پزشک نظامی بوده، به مراتب مهم‌تر و مشهورتر از جالینوس بوده است و یا تیمارگران شوالیه‌ها که گروهی مذهبی از رده‌های راهبان نظامی بوده‌اند و با هدف اصلی جنگیدن با مسلمانان، از بیماران و سربازان مجروح جنگ‌های صلیبی نیز مراقبت می‌کردند، مهم‌تر از ابوعلی سینا و رازی بوده‌اند. این دو دانشمند بزرگ، به اشتباه، به عنوان پزشکان عرب معرفی گردیده‌اند که مترجم محترم، در پاورقی، این اشتباه را تصحیح کرده است.

نویسنده کتاب از این دو دانشمند، پزشک، فیلسوف و... تنها به عنوان مشهورترین پزشکان عرب نام برده است. در حالی که می‌دانیم دایره معلومات ابن سینا و رازی، بسیار وسیع‌تر از پزشکی بوده است و آنان در بسیاری از علوم دیگر نیز سرآمد روزگار خویش بوده‌اند. در صفحه ۱۰ ذیل تیترا «سلمانی - جراح، حدود ۱۴۵۰ میلادی»، آمده است: «... با وجود آن که مردم، جراحان را به اندازه اطباء بالارزش و مهم در نظر نمی‌گرفتند، اما تا قرن پانزده میلادی، جراحان صنف مخصوص به خود داشتند... اعضای این صنف از راه تراشیدن و کوتاه کردن مو و دندان پزشکی، علاوه بر انجام کارهای جراحی، پول به دست می‌آوردند.» (این افراد شکسته‌بندی و حجامت نیز انجام می‌دادند و حتی ادعا شده که برخی سنگ‌های کلیه، انواع فتق‌ها و حتی آب‌مروراید چشم را هم جراحی می‌کردند.) گرچه درمان

پایین تر، به پزشک عمومی با علامت GP اشاره شده است. به نظر می رسد ذکر کامل عبارت به لاتین، حداقل در پاورقی، لازم و ضروری باشد. همان گونه که اسامی افراد و لوازم نیز اگر همراه با عبارت لاتین آن ها باشد، خالی از فایده نیست.

به هرحال ch.B (و نه CHB) مخفف این عبارت است:

ch.B=L.chirurgiae Baccalaureus=Bachelor of surgery

و M.B مخفف:

MB=L.Medicinae Baccalaure=Bachelor of Medicine

و GP هم مخفف عبارت General physician. در واژه نامه کتاب (صفحات ۴۶ و ۴۷)، جای برخی از کلمات و اصطلاحات خالی به نظر می رسد که به عنوان مثال، به (تورنیکه (ص ۵)، پاندمی (ص ۴۵)، ایدز (ص ۴۵)، آندوسکوپ (ص ۴۵)، بچه آزمایشگاهی (ص ۴۵) و واکسن ضد فلج اطفال (ص ۴۵) می توان اشاره نمود.

نوع نگارش کتاب و تصاویر آن، جالب توجه و ترجمه آن نیز سلیس و روان است. اما به نظر می رسد مطالعه آن برای نوجوان ایرانی، نمی تواند خیلی مفید باشد. احتمالاً برداشت خواننده از کتاب، آن است که تاریخ علم طب، از چهارصد سال پیش از میلاد مسیح آغاز شده و تنهادر چند صدسال اخیر در اروپا (خصوصاً بریتانیا) پیشرفت کرده است و نیز دانش پزشکی امروز جهان مدیون همین افراد گمنامی است که نام شان در این کتاب آمده است. نویسنده از ابن سینا و کتاب قانون که علی رغم پیشرفت چشمگیر علم پزشکی، هنوز هم قابل استفاده است، به راحتی گذشته و از کسانی که تنها هنرشان، در آوردن بیکانی از بازو یا سینه مجروحان بوده، به تفصیل تعریف و تمجید کرده است. نکته جالب آن است که حتی اگر بیکان، با موفقیت از بدن خارج می شد، مجروح بیچاره از آلودگی به جا مانده در زخم، به هلاکت می رسید.

شاید بهتر می بود قبل از قبول زحمت برای ترجمه چنین کتاب هایی، قدری بیشتر در مورد آثار مفید و مضر اطلاعاتی که از این طریق به خوانندگان این کتاب ها منتقل می کنیم، بیندیشیم. شاید بتوان کتابی دیگر در زمینه تاریخ طب، برای گروه سنی نوجوانان یافت که مناسب تر و جامع تر باشد و اگر هدف مان آشنایی خوانندگان ایرانی، با پزشکان و علم پزشکی در دیگر کشورها باشد، حداقل با نگارش مقدمه ای بر کتاب، خوانندگان را پیشاپیش از این مسئله آگاه سازیم. در پایان، باید زحمات مترجم را ارج نهاد. همان طور که از مقاله بر می آید، غالب کاستی ها مربوط به متن اصلی و محتوای کتاب است. ضمن این که شاید بتوان از این ترجمه، این سود را جست که ما نیز بتوانیم با تالیفاتی از این قبیل و البته نه با یک سونگری، پزشکان متبحر ایرانی و تأثیر آنان بر علم پزشکی را از آغاز تا اکنون، به جوانان مان معرفی کنیم.

## آوایی از میان روزنه

0 پرناز نیری



عنوان کتاب: جاده نامی

نویسنده: جری کوگوا

مترجم: شیندا رنجیر

تصویرگر: مت گاید

ناشر: نشر چشمه، کتاب و نوشته

نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۹

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۹۵ صفحه

بها: ۵۰۰ تومان

به والدین بیمارش، به ژاپن بازگشته است، ولی چون کانادا علیه ژاپن وارد جنگ می شود، بازگشت او نیز ممکن نیست. برای نامی، از دست دادن عزیزانش، ضربه بزرگی است؛ ضایعه ای است بس ناگوار و تحمل آن بس دشوار. زمانی به خود می آیی، گذشت زمان را به چشم می بینی و چیزهایی که هیچ از آن سردر نمی آوری. اما جاده ادامه دارد و تو را با خود، از کودکی به بزرگسالی می برد. در هر یک از مسافرخانه های راه، چیزی از ره توشه های خود از دست می دهی و تهیست تر و تنهاتر می شوی؛ ولی جایی برای نامیدی نیست؛ چرا که در ازای آنچه از دست می دهی، گنجینه های دیگری می یابی. کاگوا، با استفاده از نبوغ و طبع شاعرانه و لطیفش، در هر لحظه از داستان، از هر چیز مادی، شیء یا موضوعی، به شکلی نمادین و بسیار خلاقانه استفاده کرده است؛ شاید به این قصد که کودک مخاطب نیز هم چون راوی داستان، از کلمات سطحی و نمایان، به معنای عمیق و نهفته آنها برسد و به نوعی بینش درونی و آزادی راستین دست یابد که در فرهنگ دیرینه سال ژاپن، نقش اساسی در پرورش روح آنان داشته است. به عبارتی، مخاطب همراه با نامی درمی یابد در هر وضعی که باشد در زندگانی درونی اش همیشه آزاد است. کاگوا، داستان را ماهرانه از زاویه دید کودک، روایت می کند. از این رو، داستان فاقد آن خشمی است که در اغلب تجربه های تلخ و دردناک بی عدالتی، تبعیض نژادی و نسل کشی دیده می شود. به رغم مضمون تراژیک آن، نامی از عشق، لحظات

سال ۱۹۴۱ است. ژاپنی ها که در جنگ جهانی دوم، متحد آلمان شده اند، «پرل هاربر» در جزایر هاوایی را بمباران کرده اند. بمباران این بندر، نفرت از ژاپنی ها را که با سال های سال بی اعتمادی بین سفیدپوستان و زردپوستان ساکن کانادا و آمریکا قرین بوده، به اوج خود رسانده است. سرانجام، آمریکا و کانادا هم وارد جنگ می شوند و به اقدامات تلافی جویانه دست می زنند. دولت کانادا، به تبع دولت آمریکا، مهاجران ژاپنی و کانادایی های ژاپنی تبار را از خانه و کاشانه شان می راند. بیست هزار ژاپنی مقیم «ونکوور» را بی وسیله معاش و مایملکشان، ابتدا در سواحل غربی «بریتیش کلمبیا» و پس از آن، در سرزمین های خشک و بی حاصل «آلبرتا» آواره می کند و در اردوگاه های کار اجباری این مناطق، به بیگاری وا می دارد.

ظلمی که بر این گروه از مطرودین اجتماع، رفته است، دستمایه این داستان، از جوی کاگوا (۱۹۳۵)، نویسنده ژاپنی تبار، شده است. وی، داستان جاده نامی (۱۹۸۶) را براساس یکی از رمان های بزرگسالان خود، به نام «باسان» که برنده جایزه نیز شده، نوشته است.

این رمان خاطره گونه، داستانی واقعی است از تجربیات کودکی خود مؤلفه هنگام جنگ جهانی دوم. این داستان، شرح سال های اولیه زندگی نامی، کودکی پنج ساله است که همراه برادر و عمه اش، به اردوگاه های کار اجباری منتقل می شوند. پدر در اردوگاه دیگری است و مادر برای رسیدگی